

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۲۶ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۹

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الرابع: مسح الرجلین

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و هما قُبَّتَا القدمین علی المشهور و المفصل بین الساق و القدم علی قول بعضهم و هو الأحوط»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، کعب، طبق نظر مشهور، برآمدگی روی پاست و بنا بر قول بعضی دیگر، کعب، مفصل بین ساق و قدم است و بین ساق و قدم بودن کعب، مطابق احتیاط است.

اقوال در رابطه با کعبین

قول اول، قول مشهور است. مشهور معتقدند که کعب، همان برآمدگی روی پاست.

قول دوم، قول علامه (ره) است. ایشان معتقد است که کعب، مفصل بین ساق و قدم است.

قول سوم، قول عامه است. عامه معتقد است که کعبین، دو استخوانی است که طرف راست و طرف چپ ساق را احاطه کرده‌اند [منظور همان دو قوز طرف راست و چپ پاست].

با توجه به اینکه دیدگاه لغویین، دیدگاه مفسرین و دیدگاه فقها در رابطه با کعبین مختلف است، بهترین راهکار این است که به روایات مراجعه شود تا روشن شود که در روایات، منظور از کعبین چه چیز بوده است و همان چیزی که در روایات مطرح شده است، ملاک عمل قرار داده شود.

دلیل قول اول [قول مشهور]

مشهور برای قول خود به روایات ذیل استناد کرده‌اند:

روایت اول: عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «أَلَا أَحْكِي لَكُمْ وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟» ثُمَّ أَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَصَبَّهَا عَلَى وَجْهِهِ؛ ثُمَّ أَخَذَ كَفًّا فَصَبَّهَا عَلَى ذِرَاعِهِ؛ ثُمَّ أَخَذَ كَفًّا آخَرَ فَصَبَّهَا عَلَى ذِرَاعِهِ الْآخَرِ؛ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَقَدَمَيْهِ؛ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى ظَهْرِ الْقَدَمِ؛ ثُمَّ قَالَ: «هَذَا هُوَ الْكَعْبُ» وَقَالَ: «وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى أَسْفَلِ الْعِرْقُوبِ؛ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ هَذَا هُوَ الظُّنْبُوبُ»^۲.

اینکه آن حضرت (ع) فرموده است که به کنار ساق پا ظنبوب گفته می‌شود، شاید به این اشاره داشته باشد که قول عامه که کعبین را دو استخوان دو طرف پا می‌دانند، صحیح نیست، بلکه این دو استخوان، ظنبوبند.

روایت دوم: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْقَدَمَيْنِ كَيْفَ هُوَ؟ فَوَضَعَ كَفَّهُ عَلَى الْأَصَابِعِ فَمَسَحَهَا إِلَى الْكَعْبَيْنِ إِلَى ظَاهِرِ الْقَدَمِ؛ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَالَ: بِإِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِهِ هَكَذَا؛ فَقَالَ: «لَا إِلَّا بِكَفِّهِ بِكَفِّهِ»^۳.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۱، ح ۹.

۳. همان، باب ۲۴، ص ۴۱۷، ح ۴.

گفته‌اند که عبارت «الی ظاهر القدم»، مفسّر «الی الکعبین» است و «ظاهر القدم» به اطلاقش، «قبة القدم» را شامل می‌شود. گفته‌اند که از دو روایت مذکور، استفاده می‌شود که مراد از کعب، برآمدگی روی پاست.

روایت مذکور، نسخه دیگری دارد که در آن روایت به جای عبارت «الی ظاهر القدم»، «الی ظهر القدم» آمده است که در این صورت، به طریق اولی بر قول مشهور [کعب، همان برآمدگی روی پاست] دلالت خواهد کرد چون «ظهر القدم» بر «قبة القدم» اطلاق دارد؛ نه بر ظاهری که حتی تا ساق پا را نیز شامل شود.

دلیل قول سوم [قول عامه]

عامه برای قول خود به روایت ذیل استناد کرده‌اند:

عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وَضْعِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِطُشْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ... «فَإِذَا مَسَحَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْهِ مَا بَيْنَ الْكَعْبَيْنِ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجْزَاهُ». قَالَ: فَقُلْنَا: أَيْنَ الْكَعْبَانِ؟ قَالَ: «هَاهُنَا يَعْنِي الْمَفْصِلَ دُونَ عَظْمِ السَّاقِ». فَقُلْنَا: هَذَا مَا هُوَ؟ فَقَالَ: «هَذَا مِنْ عَظْمِ السَّاقِ وَالْكَعْبُ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ»^۱.

گفته‌اند که از روایت صحیح مذکور، استفاده می‌شود که کعبین همان دو استخوانی است که در دو طرف راست و چپ ساق قرار دارند.

اشکال به استدلال به روایت مذکور

احتمال دارد که منظور از «مفصل» در قول امام باقر (ع) که فرموده است: «هَاهُنَا يَعْنِي الْمَفْصِلَ دُونَ عَظْمِ السَّاقِ»، مفصل بین انگشتان باشد و الزاماً مفصل ساق نیست، بلکه یک مفصل دیگر نیز وجود دارد که انتهای انگشتان است. پس پا دو مفصل دارد که یکی بین قدم و ساق پاست و مفصل دیگر وسط قدم است که انتهای انگشتان است. بنابراین، مفصل منحصر به خصوص ساق نیست؛ به خصوص که عبارت «وَالْكَعْبُ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ» نشان می‌دهد که امام (ع) نمی‌خواهد به مفصل بین قدم و ساق پا اشاره کند، بلکه منظور این است که کعب پایین‌تر از استخوان مفصل انتهای انگشتان است که همان ظهر قدم است.

همچنین، با توجه به اینکه برای کلمه «دون» سه معنا متصور است [؛ اول، اینکه «دون» به معنای «عند» است، یعنی تا کنار استخوان ساق پا؛ دوم، اینکه «دون» به معنای «أسفل» است، یعنی پایین‌تر از استخوان ساق پا و سوم، اینکه «دون» به معنای «غیر» است، یعنی غیر استخوان ساق پا]، نمی‌توان گفت که «دون» فقط به معنای «عند» است تا گفته شود که منظور از «کعب»، کنار استخوان ساق پاست. بنابراین، «دون» فقط به معنای «عند» نیست تا گفته شود که مسح پا باید تا کنار استخوان ساق پا باشد، بلکه محتمل است که «دون» به معنای «أسفل» باشد که در این صورت، پایین‌تر از استخوان ساق [، یعنی برآمدگی روی پا]، مراد خواهد بود. همچنین، محتمل است که «دون» به معنای «غیر» باشد که در این صورت نیز منظور از «کعبین»، همان برآمدگی روی پا خواهد بود.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. همان، باب ۱۵، ص ۳۸۸، ح ۳.